



پخش سریال محبوب دنیای غرب (westworld) بعد از دو سال مجدداً از سر گرفته شده است و فصل سوم این مجموعه طی 8 قسمت و 8 هفته طرفدارانش را سرگرم خواهد کرد. همانند فصل دوم، اپیزودهای فصل سوم دنیای غرب را در وبسایت شبکه بررسی خواهیم کرد تا با روشن کردن نکات پیچیده و دقت در جزئیات هوشمندانه سریال، شما مخاطبان گرامی با لذت بیشتری به تماشای سریال بپردازید. ضمن اینکه در کنار توضیحات فیلم، تمرکز بیشتری بر روی بخش فناوری این سریال و مقایسه آن با شرایط واقعی خواهیم داشت.

شبکه - در زمانی که دنیا در شوک وپروس کرونا قرار گرفته و تمایل به دیدن سریال در منزل بیشتر شده است، سریال با کیفیت وستورلد می‌تواند گزینه خوبی برای دنبال کردن باشد. در طی هشت نقد و بررسی که خواهیم داشت علاوه بر توضیح قسمت‌های پیچیده سریال، نکاتی که ممکن است توجه شما را جلب نکرده باشد را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد. طبیعی است که سریال اسپویل خواهد شد و نقد و بررسی در راستای توضیح بیشتر داستان ارائه می‌شود.

نقد و بررسی فصل دوم سریال Westworld

فصل سوم - قسمت اول | Parce Domine | انتشار: 15 مارس (25 اسفند)

در فصل دوم وستورلد دیدیم که میزبان‌های پارک یا همان روبات‌ها به رهبری «دلورس» و «میو» قیامی را آغاز کردند که 11 روز طول کشید. در طی درگیری‌ها تعداد زیادی از آنها نابود شدند، عده‌ای به یک مکان همانند بهشت رسیدند و یک نفر از پارک وارد دنیای واقعی شد. بله، دلورس (در قالب شارلوت هیل) به همراه پنج گوی ذهن از پارک فرار کرد و وارد دنیای انسان‌ها شد.

اپیزود آغازین فصل سوم سریال westworld همانطور که از گذشته نیز حدس زده می‌شد از مکانی در کشور چین آغاز شد. دلورس به سراغ یکی از کارمندان سابق شرکت Incite می‌رود تا علاوه بر برطرف کردن نیازش به پول در دنیای انسان‌ها، اطلاعات شرکت را نیز از «جری» دریافت کند. نکته‌ای که در برخورد این شخص با دلورس وجود دارد، این است که دلورس یک تصویر سه بعدی است و در دنیای انسان‌ها این فناوری آنقدر تکامل یافته است که تشخیص تصویر از واقعیت ممکن نیست. ضمن اینکه دلورس گفت که نمی‌خواهد به جری آسیب برساند اما کتابش را خوانده و می‌داند که او به سمتش حمله‌ور خواهد شد. اگر یادتان باشد در فصل دوم گفته شد که هر انسان یک کتاب

از کدها دارد که تصمیمات او را نشان می‌دهد و در واقع انسان‌ها برعکس میزبان‌ها کاملاً قابل پیش‌بینی هستند. ارائه اثر انگشت جری نیز در نوع خودش جالب است؛ دو اثر انگشت که نیاز است به مدت مشخصی بر روی تبلت قرار داده شود تا اطلاعات کپی شوند. در واقع از زمان به عنوان یک سیستم امنیتی استفاده می‌شود.



«جسی پینکمن» در نقش «کیلب» یک کارکن جدید در سریال و نمادی از انسان‌های عادی و اکثریت مردم است. او با یک روبات کار می‌کند؛ یک روبات کارگر که به راحتی از دیوار صاف بالا می‌رود و در ساختمان‌سازی امروزی یک روبا محسوب می‌شود. کیلب باید هزینه‌های درمان مادری را فراهم کند که بنظر حتی فرزند خودش را هم نمی‌شناسد. او البته امید چندانی به آینده خود ندارد و گهگاه با استفاده از برنامه‌ای به نام Riço به دنبال کسب درآمد و افزایش رتبه خلاقاری خود است! طبق گفته «جانان نولان» از نویسندگان سریال، این اپلیکشن بر پایه بلاک‌چین بوده و قابل ردگیری توسط پلیس نیست پس کسانی که آن را نصب می‌کنند مشکلی از این بابت ندارند و این نقص فیلمنامه نیست. در طول اپیزود صدای «فرانسیس» دوست کشته شده کیلب را می‌شنویم که در واقع یک ورژن هوش مصنوعی از فرانسیس است و به نوعی نقش روانشناس او را ایفا می‌کند. در واقع بنظر می‌رسد که داده‌های زیادی قبل از مرگ فرانسیس از او جمع‌آوری شده است تا بتواند صدا، خصوصیات و بیان احساسات او را تقلید کند. بسیاری از افراد بعد از مرگ عزیزان خود با آن کنار نمی‌آیند و ترجیح می‌دهند حداقل یک نسخه دیجیتالی و محدود از آن شخص را در کنار داشته باشند. البته در فیلم بنظر می‌رسد این کار روشی برای امید دادن به مردم و کنترل آنها باشد که در نهایت کیلب آن را کنار می‌زند.

در سکانسی که «شارلوت» به عنوان مدیر عامل شرکت «دلوس» در حال مذاکره با سهامداران است، صحبت از خصوصی شدن شرکت و تولید مجدد میزبان‌ها به میان می‌آید. می‌دانیم که شارلوت واقعی کشته شده است و او یک میزبان است که با دلورس هدف مشترکی را دنبال می‌کند. در این سکانس البته «پیمان معادی» بازیگر معروف ایرانی نیز حضور دارد که به مانند سایر اعضا از تصمیم غیرمنطقی شارلوت شگفت‌زده شده است.



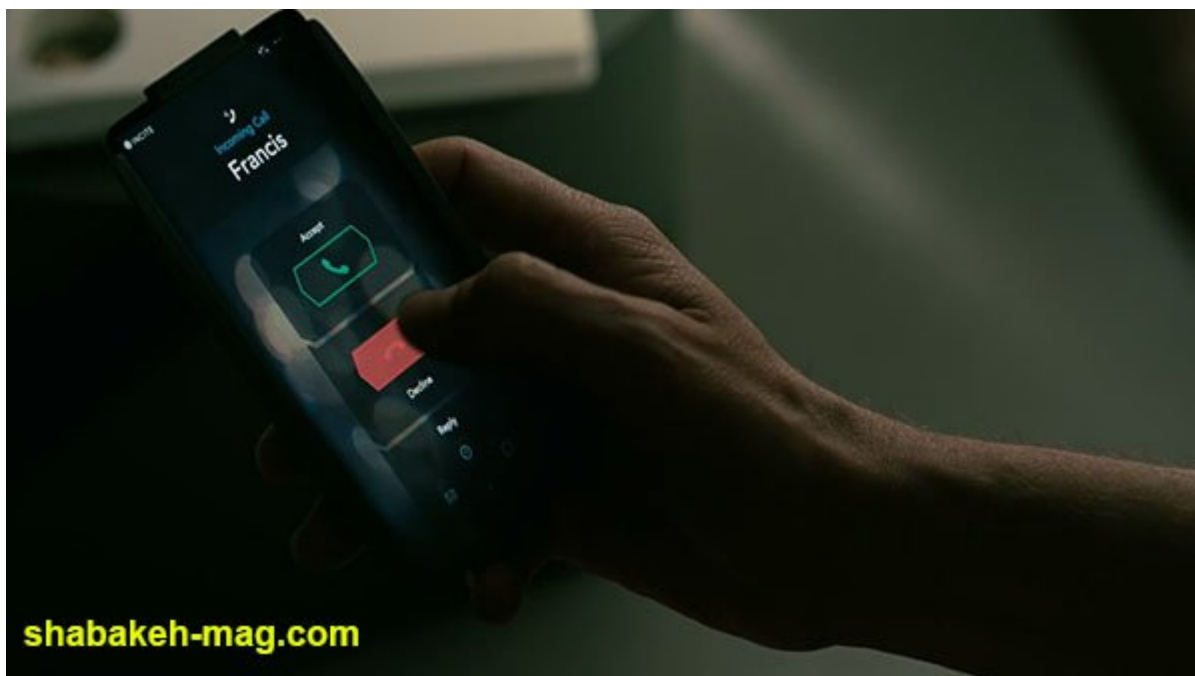
«برنارد» یک فراری است که بعد از سه ماه قصد برگشت به پارک westworld را دارد. او خودش را تست می‌کند تا کسی تغییری در کدهای او ایجاد نکرده باشد و این تنها نکته داستان برنارد بود. به داستان دلورس در لندن و سفرش به لس‌آنجلس برمی‌گردیم. او با هویت جعلی شخصی به نام «لارا» در حال نزدیک شدن به «لیام دمپسی» است، کسی که عضوی از شرکت Incite بوده و پدرش میراثی گرانبها را به جا گذاشته است و دلورس قصد دستیابی به آن را دارد. در ابتدای مهمانی عنوان می‌شود که دستگاه برای کنترل گرمایش زمین ساخته شده است اما در واقع هدف آن کسب اطلاعات از مردم دنیاست. البته کسب اطلاعات در حد سابقه جستجو در اینترنت و ارائه تبلیغات اینترنتی هدفمند نیست بلکه موضوع بر سر آزمایش دقیق افراد و تعیین تمام و کمال راه زندگی است.

نکات اپیزود اول فصل سوم

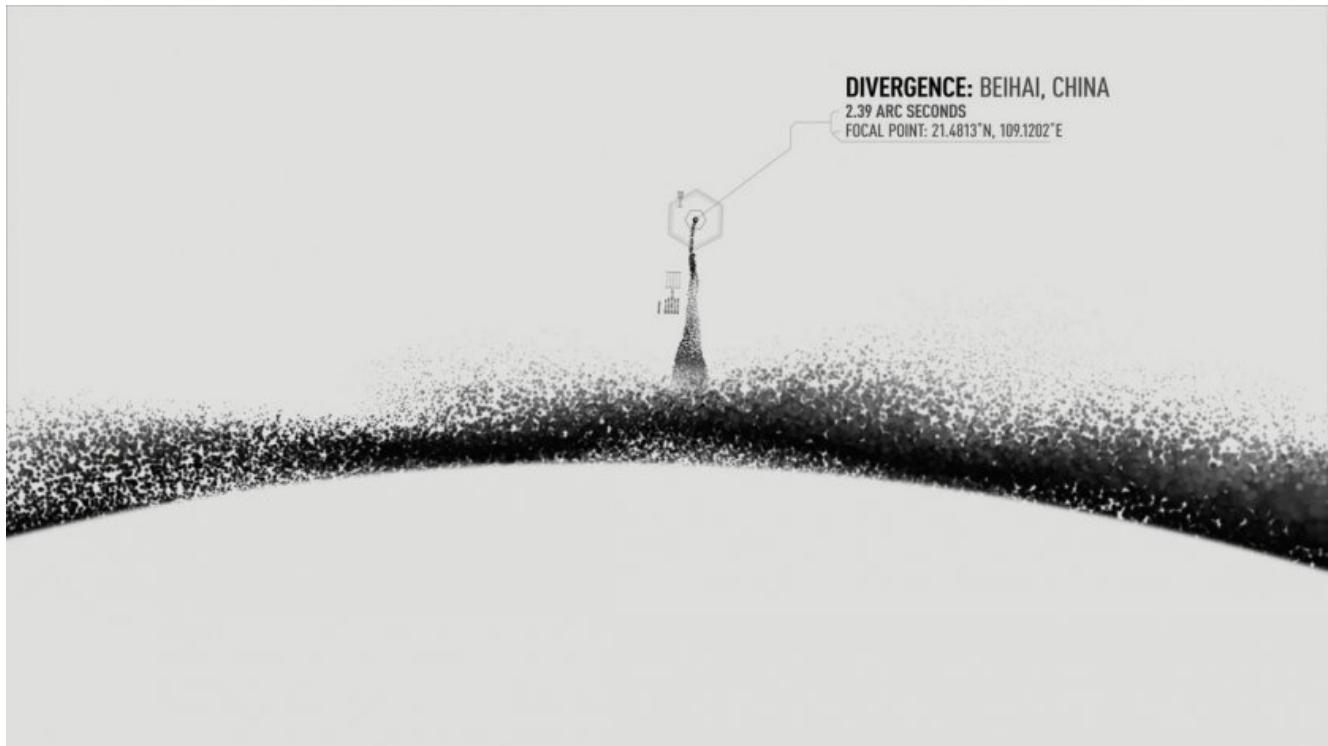
در اپیزود اول یک خوراکی شبیه به ورقه‌های آنبات را می‌بینیم که جری قبل از خواب، مادر کیلب و شخصی در یک पार्टी از آن استفاده می‌کنند. به عبارتی این خوراکی ممکن است یک خوراکی روزمره، درمانگر بیماران یا روانگردان باشد.



زمانی که تلفن کیلب زنگ می‌خورد نام شرکت Incite در بالا سمت چپ گوشی او نمایان می‌شود. می‌دانیم که این شرکت داده‌های زیادی در اختیار دارد اما بنظر می‌رسد ارائه‌دهنده سرویس‌های موبایلی نیز هست. در واقع این شرکت همانند یک اپراتور شبکه‌های موبایلی است که زیرساخت برقراری تماس، ارسال پیامک و ... را برای مردم عادی فراهم کرده است. بنظر می‌رسد که نقش Incite در زندگی مردم بسیار پررنگ است و یکی از راه‌های جمع‌آوری داده‌های افراد از طریق تماس‌های تلفنی است.



زمانی که دلورس در لس‌آنجلس حضور دارد، لیام یک گوی بزرگ سیاه به نام ریهوام (Rehoboam) را به او نشان می‌دهد که پدرش 15 سال را برای ساخت آن صرف کرده است و هدف آن این است که برای همه انسان‌ها یک مسیر از پیش تعیین شده مشخص کند و این دستگاه همان هدف دلورس است. برخی اعتقاد دارند که تصاویری که پیش از وقوع اتفاقات در این اپیزود نشان داده شد (تصویر پایین) تجزیه و تحلیل ریهوام است و اگر این درست باشد یعنی ریهوام ورود دلورس را تشخیص داده است.



در پیش نمایش قسمت دوم فصل سوم دیدیم که میو در دنیای دیگری به هوش می‌آید. جنگ جهانی دوم و حضور نازی‌ها نشان می‌دهد که همانند شوگان ورلد و راج ورلد، سریال همچنان به پارک‌های مختلف سرک خواهد کشید.



سخن پایانی

فصل سوم دنیای غرب ریسک بزرگی را آغاز کرده است. جدا از روند داستانی فصل اول و دوم، دنیای انسان‌ها بسیار پیشرفته شده و فناوری‌های مختلفی در این اپیزود دیده شد: رانندگی خودکار ماشین‌ها و موتور سیکلت به حد کمال رسیده، گجت‌ها و عینک‌های هوشمند، شنود صدا از راه دور، ساکت کردن صدای دیگران در جلسه و غیره. در واقع سریال بیش از پیش وارد تخیلات ناشی از فناوری شده و این خطرناک است. گاهی فیلم‌هایی را دیده‌ایم که با همین روند پیش رفته‌اند و در نهایت سوالات حل نشده‌ای را در ذهن مخاطب به جای گذاشته‌اند. در این دنیاها معمولاً

اتفاقات زیادی می‌افتد که در تضاد با یکدیگر بوده و دلیل آنها را متوجه نمی‌شویم. اکثر فیلم‌های ابرقهرمانی چنین هستند و سطح قدرت و زمان استفاده از آنها چندان منطقی نیست. هر چند که این اتفاقات در فیلم‌های ابرقهرمانی پذیرفته شده اما معمولاً فیلم‌های علمی تخیلی را پوچ و بدون زیرساخت نشان می‌دهد و در نهایت فیلم با مجموعه‌ای از اتفاقات بی‌ربط به پایان می‌رسد. نویسندگان سریال یعنی جاناتان نولان و لیسای جوی توانمند هستند اما پس از فصل پایانی و ناامیدکننده بازی تاج و تخت باید گفت که ریسک بیش از حد ممکن است وست ورلد را نیز به سرنوشت آن سریال دچار کند.

تاریخ انتشار:
05 فروردین 1399

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/entertainment/16705/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D8%A7%D9%88%D9%84-%D8%A7%D8%B2-%D9%81%D8%B5%D9%84-%D8%B3%D9%88%D9%85-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-westworld>